

ایران زندگی

پارک ملی کرخه، منطقه حفاظت شده میشداغ و تالاب شادگان در مسیر خط لوله انتقال آب سد دز
تخریب زیستگاه گوزن زرد برای آبرسانی به ساکنان «کارون»

گشتی در بازار تهران در روزهای اوج همه‌گیری بیک ششم
همه‌جاصدای عطسه‌می آید

رمز ماندگاری ۴۰ ساله مجله «کودک مسلمان بلوچ» تنها نشریه کودک و نوجوان سیستان و بلوچستان

ما حرف دل بچه‌ها را می‌زنیم



عکس: ایران ۲۰

مریم طاشی
گزارش نویسنده

بچه‌های دیروز مجله را خوب می‌شناسند. دل به روایت‌هایش سپرده‌اند و خودشان را جای شخصیت‌هایی گذاشته‌اند که شبیه خودشان بوده‌اند و انگار کنار آنها زندگی کرده‌اند و همان روزها را سپری کرده و همان خاطرات را از سر گذرانده‌اند. با مجله قد کشیده‌اند و بزرگ شده‌اند اما آن را از یاد نبرده‌اند. «یادم می‌آید که وقتی مجله در مدرسه می‌رسید دستمان خیلی ذوق داشتیم. همانجا شروع می‌کردیم به خواندن. تا برسیم خانه نصفش را توی راه خوانده بودیم. بارها می‌خواندیم. آنقدر می‌خواندیم که همه را از حفظ می‌شدیم. همین الان هم در استان ما امکانات کم است. بچه‌های مناطق محروم‌تر، خیلی کم به کتاب و مجله دسترسی پیدا می‌کنند اما عاشق خواندن هستند.»

این را یکی از همان بچه‌های دیروز می‌گوید که حالا خودش معلم است و امروز شوق بچه‌ها را برای خواندن می‌بیند. بچه‌هایی که چیز زیادی نمی‌خوانند اما گاهی همان کم هم نصیبشان نمی‌شود.

«کودک مسلمان بلوچ» تنها مجله کودک و نوجوان سیستان و بلوچستان است؛ همدمی که آنها را رها کرده و با وجود تمام مشکلات همچنان سرپا ایستاده است.

مرضیه نژاد پندانی، مدیر مسئول مجله از سال ۸۷ به‌عنوان دبیر تحریریه همکاری خود را با مجله آغاز کرده و از سال ۹۱ نیز مدیر مسئول مجله است. به گفته او، در حال حاضر تیراژ مجله ۲۶ هزار نسخه است که ۱۶ هزار مشترک کودک و ۱۰ هزار مشترک نوجوان دارد. مجله در کل استان سیستان و بلوچستان پخش می‌شود و فقط مخصوص منطقه بلوچستان نیست.

بچه‌ها مجله را می‌خوانند. اشتراک مجله سالی ۵ هزار تومان است اما همین مبلغ هم برای بعضی‌ها زیاد است برای همین گاهی می‌بینیم ۵ دانش‌آموز با هم شریک می‌شوند و یک اشتراک می‌گیرند و همگی با هم به نوبت مجله را می‌خوانند. این نشان می‌دهد بچه‌ها در استان چقدر به مطالعه مجله علاقه دارند. به هر حال ما هم تنها مجله کودک و نوجوان در استان هستیم که توانسته‌ایم به عشق همین بچه‌ها و به خاطر علاقه آنها این همه سال دوام بیاوریم و خودمان را سرپا نگه داریم. پخش مجله ما در دیستان و راهنمایی صورت می‌گیرد اما می‌بینیم که بچه‌های دبیرستانی مهم‌ترین دلیل ماندگاری مجله خود دانش‌آموزان هستند که خودجوش برای مشترک شدن ثبت‌نام می‌کنند و بدون اینکه هیچ اجباری باشد علاقه دارند بیشتر بخوانند و بیشتر بدانند.

جالب است بدانید که ما مسابقه‌ای برگزار کرده بودیم که روزی ۲۰ تا ۳۰ نفر برای شرکت در آن تماس می‌گرفتند. روزهای پنجشنبه که تلفن مجله روی پیام‌گیر است، کل ظرفیت پیام‌گیر که ۲۲ پیام است پر می‌شود و این نشان می‌دهد که بچه‌ها چقدر به برنامه‌های فرهنگی علاقه دارند.»

«نکته دیگر این است که بچه‌ها نسبت به مجله احساس مالکیت و تعلق خاطر دارند.» نژاد پندانی این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «عکس‌ها و مطالب در مجله چاپ می‌شود و مسائلی که آنها را درگیر می‌کند در آن منعکس می‌شود. ما همیشه قبل از تهیه مطالب توسط رابط‌هایی که داریم در مناطق آسیب‌شناسی انجام می‌دهیم و می‌فهمیم در هر شهرستان چه مسائل و مشکلاتی هستند. بعد آسیب‌ها را جمع می‌کنیم و مطالبی متناسب با آنها تهیه می‌کنیم. به این شکل کودک و نوجوان آن منطقه می‌بیند که مشکلاتش در مجله منعکس شده است. ما خانواده‌هایی داریم که وقتی می‌بینند فرزندشان استعدادی دارد و دست به قلم است یا خوب نقاشی می‌کند، اولین جایی که به ذهن‌شان می‌رسد، مجله است برای همین به ما مراجعه می‌کنند و از ما می‌خواهند کتاب معرفی کنیم یا از استعداد کودک در مجله استفاده کنیم. ما هم کودک را با نویسنده و

صفحه‌ها مرتبط می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم او کمک کند تا بتواند مطلب یا طرحش را برای چاپ آماده کند. کودک و نوجوان وقتی می‌بیند اثر او در مجله چاپ شده انگیزه می‌گیرد و دگرگرم می‌شود. در واقع ما به این شکل دوست داریم و آن را رها نمی‌کنند چون استعدادیابی هم انجام می‌دهیم. حتی بارها شده معلم‌ان و مدیران مدارس به ما می‌گویند فلان کودک دارای استعداد زیادی در نویسندگی و سرودن شعر یا نقاشی است و ما سعی می‌کنیم به آن کودک کمک کنیم تا استعدادش شکوفا شود.

شعار ما در مجله این است: «از بچه‌ها، با بچه‌ها و برای بچه‌ها. مداوم مجله هم برای همین شعار است. ما مطالب خود بچه‌ها را چاپ می‌کنیم و آنها را برای خود بچه‌ها چاپ می‌کنیم و با بچه‌ها هستیم و می‌مانیم. برای بچه‌ها آگاهی‌رسانی می‌کنیم و زمانی که نیاز به کمک داشته باشند، در حد توان کمک‌رسان آنها هستیم. مثلا مواردی پیش آمده که برخی دانش‌آموزان مشکلات خانوادگی دارند و تماس می‌گیرند و آن را با ما مطرح می‌کنند. دانش‌آموزانی هستند که می‌گویند پدرمان دیگر اجازه نمی‌دهد به تحصیل ادامه دهیم و ما می‌رویم و با پدرش صحبت می‌کنیم و راضی‌اش می‌کنیم که کودک به تحصیل ادامه دهد.»

او از صفحه «ایران قدیم مجله» می‌گوید که دانش‌آموزان قدیمی هستند که سال‌ها مشترک مجله بوده‌اند و خیلی‌ها ایشان در حال حاضر سمت‌های مهمی در استان دارند مثلا فرماندار و مسئول فرهنگی شهرستان‌ها هستند و همچنین شاعر و نویسندگانی هستند. «آنها با افتخار می‌گویند من بزرگ شده مجله هستم. می‌گویند ما با این مجله تمرین نوشتن کرده‌ایم. وقتی سال ۹۴ صفحه یاران قدیم را راه‌اندازی کردیم، فکر می‌کردم نهایتا ۱۰ شماه می‌توانیم آن را برکنیم اما تا به امروز این صفحه در جریان است و این نشان می‌دهد مجله در این سال‌ها چه همراهان زیادی داشته است.

ما کسانی را داریم مثل سعید محمد شه پخش که پدر گرافیک استان سیستان و بلوچستان است. او برای اولین بار طراحی مجله را انجام داده است. همچنین علی بلوچ که الان رئیس اداره ارشاد نیکشهر است اولین لوگوی مجله را طراحی کرده است. ما افراد زیادی را در استان داریم که

برای این مجله زحمت کشیده‌اند و کسانی را داریم که از بیگگی با آن رشد کرده و بزرگ شده‌اند و هرگز خودشان را از مجله جدا نمی‌دانند. حالا هم دانش‌آموزانی داریم که مجله را دوست دارند و آن را رها نمی‌کنند چون ما حرف دل بچه‌ها را می‌زنیم.

روزی شخصی از کردستان با دفتر مجله تماس گرفت و گفت من بچه که بودم وقتی پدرم به جبهه می‌رفت، از او می‌خواستم برایم از جبهه سوغاتی بیاورد. کودک بودم و نمی‌دانستم اما جبهه‌های فرهنگی هم باید فرستاده شود و هزینه‌ای برای امور فرهنگی کودکان در نظر گرفته شود. الان ۱۰ سال است که ارشاد هیچ کمکی به ما نکرده و سهمیه کاغذ به ما نداده است. اگر مشکل کاغذ نداشته باشیم ما می‌توانیم با خیال راحت مجله را چاپ کنیم و به دست بچه‌ها برسانیم و خستگی‌مان به این شکل در می‌رود.

ما یک پژوهش انجام دادیم و تعدادی از بچه‌ها را به صورت نمونه انتخاب کردیم که یک گروه مجله را می‌خواندند و گروه دیگر نه. از آنها سوالاتی پرسیده شد و دیدیم بچه‌هایی که مجله می‌خوانند چقدر اطلاعات فرهنگی بیشتری داشتند. امیدواریم مسئولان هم به این مسأله توجه داشته باشند که استان سیستان و بلوچستان مشکلات زیادی دارد و دارای اقتضات بیشتری نسبت به سایر استان‌هاست.»

یادم می‌آید در سفری به سیستان و بلوچستان در روستایی مرزی کودکی را دیدیم که کتاب داستانی را با ذوق نشان داد. کتاب آنقدر خوانده شده بود که برگ‌هایش پاره بود و جلد هم نداشت. بچه‌های روستا عاشق داستان بودند و کتاب پاره را با ذوق بین هم دست به دست می‌کردند. این بچه‌ها شیفته خواندن هستند.

یادداشت

رسانه‌های چاپی در استان سیستان و بلوچستان از سابقه‌های طولانی برخوردارند. این نشریات چندین دهه است در این استان چاپ می‌شوند و همیشه هم با استقبال مردم مواجه بوده‌اند. اما همواره تعداد این نشریات بسیار کم بوده و امروز حتی از تعداد انگشتان دست هم کمتر چاپ می‌شوند. «کودک مسلمان بلوچ» یکی از نشریاتی است که از سال‌های اول انقلاب شروع به انتشار کرد و از محبوبیت و مقبولیت بسیار خوبی برخوردار شد. تیراژ آن در برخی از سال‌ها بسیار زیاد بود و این نشان از علاقه نوجوانان این استان به نشریه و مطالعه داشت. متأسفانه امروز این نشریه تخصصی تیراژ سابق را ندارد و حتی می‌توان گفت، تیراژش چند دهم تیراژ قبل هم نمی‌شود. به این ترتیب این نشریه به دست بسیاری از کودکان و نوجوانان این استان نمی‌رسد. بلوچ در تیراژ زیاد چاپ می‌شد، بسیاری از دانش‌آموزان مدارس آن را مشترک بودند و یا این نشریه را می‌خریدند. حتی در مدارس هم توزیع می‌شد. بچه‌ها با علاقه این نشریه را ورق می‌زدند و مطالعه می‌کردند. اما امروز این نشریه در مدارس هم توزیع نمی‌شود و به شکل محدود در دهک‌های روزنامه فروشی فروخته می‌شود.

کودک مسلمان بلوچ تنها نشریه برای کودکان و نوجوانان در سطح استان پهناور سیستان و بلوچستان است و نشریه دیگری نداریم. با توجه به گستردگی استان ما و نبود امکاناتی مثل اینترنت پرسرعت و نداشتن گوشی هوشمند خیلی از بچه‌ها از مطالعه این نشریه محروم می‌شوند. به هر حال قشر وسیعی از خانواده‌های دانش‌آموزان وضعیت مالی مناسبی ندارند و نمی‌توانند گوشی هوشمند تهیه کنند. در سال ۱۳۷۶ مطبوعات چاپی رونق بیشتری گرفتند و تا چند سال بعد از آنکه تعدادشان افزایش یافت فعالیت خوبی داشتند. آن سال‌ها هزینه نشریات از طریق آگهی‌ها و اشتراک و حمایت‌های یارانه‌ای تأمین می‌شد. همچنین با توجه به اینکه اینترنت به گستردگی امروز نبود بیشتر رسانه‌های چاپی محتوای خود را تولید می‌کردند و این محتوای تولیدی به جذب مخاطب بیشتر و پوی‌تر می‌کرد، اما با توسعه فضای مجازی و پوی‌تر شدن شبکه‌های اجتماعی، مطبوعات چاپی نیز رونق سابق خود را از دست دادند. اگرچه در دو دهه اخیر تعداد مجوزهای نشریات چاپی افزایش یافته و در حال حاضر بیش از ۱۳۰ رسانه مجوزدار در استان وجود دارد و حداقل نیمی از آنها رسانه‌های چاپی هستند که البته نسبت به میانگین کشوری باز هم بسیار کم است، اما بجز تعداد اندکی سایر نشریات هیچ فعالیت‌هایی ندارند و بسیاری از آنها تعطیل شده‌اند. حتی نشریاتی مانند کودک مسلمان بلوچ دیگر نمی‌توانند با شمارگان قبلی منتشر شوند. از طرف دیگر هیچ نشریه چاپی نداریم که به نقاط مختلف استان ارسال کنیم. بقیه نشریات هم برای همه شهرهای استان منتشر نمی‌شوند چون سیستم توزیع خوبی برای مطبوعات نداریم و نمی‌توانیم نشریات را به دست مردم برسانیم.

در استان سیستان و بلوچستان بخش خصوصی در حوزه‌های اقتصادی چندان توانمند نیست تا مطبوعات بتوانند با اتکا به آگهی ادامه حیات بدهد. بنابراین وزارت فرهنگ و ارشاد باید از مطبوعات و نشریاتی از این دست، حمایت کند چون اکثر کسانی که مجوز رسانه دارند از نظر اقتصادی ضعیف هستند. حمایت‌های معاونت مطبوعاتی نیز منوط به نظم در انتشار و ضریب کیفی است که مشمول ۹۸ درصد رسانه‌های استان نمی‌شود. مطبوعات نیز به دلیل نداشتن بنیه اقتصادی قوی و نیروی توانمند توان تولید محتوا و ارتقای کیفی ندارند و نتوانسته‌اند همگام با توسعه ارتباطات و فناوری خود را به روز کرده و از قابلیت‌های جدید برای توسعه کار خود و درآمدزایی به شیوه‌های جدید استفاده کنند. چند نشریه‌ای که به سختی توانسته‌اند تا کنون منتشر شوند نیز در حال تعطیلی هستند.



روزی شخصی از کردستان با دفتر مجله تماس گرفت و گفت من بچه که بودم وقتی پدرم به جبهه می‌رفت، از او می‌خواستم برایم از جبهه سوغاتی بیاورد. کودک بودم و نمی‌دانستم جبهه‌های سوغاتی آوردن نیست اما پدرم یکبار با مجله به خانه آمد و من با ذوق آن را خواندم و هنوز مجله را دارم. آن فرد عکس‌های مجله قدیمی را فرستاد و این حس بسیار خوبی برای ما ایجاد کرد. آن زمان بچه‌های جهاد مجله را به جبهه می‌بردند

